

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. می‌دانیم یک رابطه، تابع است هرگاه به ازای ورودی‌های یکسان زوج‌های مرتب، خروجی یکسانی داشته باشیم، بنابراین:

$$(3, x) = (3, 5) \Rightarrow x = 5, (1, y) = (1, 2) \Rightarrow y = 2$$

با جایگذاری در رابطه داده شده، داریم:

$$2x^2 + 2y^2 = 2(25) + 2(4) = 58$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. با توجه به تعریف تابع داریم:

$$(0, a - b) \Rightarrow a - b = 3 \Rightarrow (a - b)^2 = 9$$

$$(0, 3) \Rightarrow a - b = 3 \Rightarrow (a - b)^2 = 9$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. شیب خط از رابطه‌ی $m = \frac{y_2 - y_1}{x_2 - x_1}$ به دست می‌آید.

$$\left. \begin{aligned} f(-1) &= 3 \Rightarrow A(-1, 3) \\ f(0) &= 2 \Rightarrow B(0, 2) \end{aligned} \right\} \Rightarrow m = \frac{3 - 2}{-1 - 0} = -1$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. چون تابع f با خط $3x - 2y = b$ برخورد ندارد پس موازی‌اند. در نتیجه:

$$2y = 3x - b \Rightarrow y = \frac{3}{2}x - \frac{b}{2} \Rightarrow m = \frac{3}{2} \Rightarrow f(x) = \frac{3}{2}x + h$$

$$f(2) = 2a - 1 \Rightarrow 2a - 1 = \frac{3}{2} \times 2 + h \Rightarrow 2a = 4 + h \Rightarrow h = 2a - 4 \quad (*)$$

$$f(1 - a) = 2 \Rightarrow 2 = \frac{3}{2}(1 - a) + h \Rightarrow \frac{3}{2} - \frac{3}{2}a + h = 2 \Rightarrow h = \frac{1}{2} + \frac{3}{2}a \quad (**)$$

$$\xrightarrow{(*), (**)} \frac{1}{2} + \frac{3}{2}a = 2a - 4 \Rightarrow a = 9 \xrightarrow{*} h = 14$$

$$\Rightarrow f(x) = \frac{3}{2}x + 14 \Rightarrow f(-6) = \frac{3}{2}(-6) + 14 = 5$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. برای محاسبه شاخص سلامت یک شخص، وزن فرد را بر توان دوم قدش برحسب متر تقسیم می‌کنیم:

$$\text{متر } 175 = 1 / 75 \text{ سانتی متر}$$

$$\text{شاخص سلامت} = \frac{80}{(1/75)^2} \simeq 26 / 12 \Rightarrow \left[26 / 12 \right] = 26$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

قیمت فروش x کالا، Cx است.

هزینه - درآمد (فروش) = سود

$$A + Bx = Cx - g(x) \Rightarrow g(x) = Cx - A - Bx$$

تابع هزینه شرکت: $g(x) = -A + (C - B)x$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. با توجه به دامنه‌ی داده شده داریم:

$$f(0) = \frac{2(0) + 4}{0 - 1} = -4, f(-2) = \frac{2(-2) + 4}{-2 - 1} = 0$$

از آنجا که برد به صورت $R = \{0, -1, b\}$ است و $-4 \in R$ است، پس $b = -4$ ، طبق دامنه و برد داده شده:

$$f(a) = -1 \Rightarrow \frac{2a + 4}{a - 1} = -1$$

$$\Rightarrow 2a + 4 = -a + 1 \Rightarrow 3a = -3 \Rightarrow a = -1$$

$$\Rightarrow a - b = -1 - (-4) = -1 + 4 = 3$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. برای به دست آوردن مختصات رأس سهمی داریم:

$$y = -2x^2 + 6x - 1 \xrightarrow[\text{مقایسه با فرم استاندارد } y = ax^2 + bx + c]{\text{مقایسه با فرم استاندارد}} \begin{cases} a = -2 \\ b = 6 \\ c = -1 \end{cases}$$

$$\text{طول رأس سهمی: } x_s = -\frac{b}{2a} \Rightarrow x_s = -\frac{6}{2 \times (-2)} = \frac{3}{2}$$

$$y_s = -2 \times \left(\frac{3}{2}\right)^2 + 6 \times \left(\frac{3}{2}\right) - 1 = -2 \times \frac{9}{4} + 9 - 1 = \frac{7}{2}$$

$$\text{مختصات رأس سهمی: } \left(\frac{3}{2}, \frac{7}{2}\right)$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. دو زوج مرتب زمانی مساویند که مؤلفه‌های آن‌ها نظیر به نظیر با یکدیگر مساوی باشند:

$$(3x - 1, 8y - 2) = (4x - 2, 5y + 7)$$

$$\Rightarrow \begin{cases} 3x - 1 = 4x - 2 \Rightarrow 3x - 4x = 1 - 2 \Rightarrow -x = -1 \Rightarrow x = 1 \\ 8y - 2 = 5y + 7 \Rightarrow 8y - 5y = 2 + 7 \Rightarrow 3y = 9 \Rightarrow y = 3 \end{cases}$$

$$x + y = 1 + 3 = 4$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مرکز آمار ایران، هر ۱۰ سال یک بار با استفاده از پرسش‌نامه اطلاعات همه‌ی خانوارهای ساکن در ایران را جمع‌آوری می‌کند. به این فرآیند، سرشماری نفوس و مسکن گفته می‌شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

$$\begin{cases} f(x) = ax \text{ تابع خطی که از مبدا می‌گذرد} \\ f(x \cdot) = 6 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} ax = 6 \\ ax + a = 8 \end{cases} \Rightarrow a = 8 - 6 = 2$$

$$f(x \cdot + 1) = a(x \cdot + 1) = 8$$

$$f(x) = 2x$$

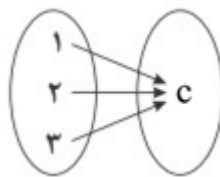
$$f(-1/5) = 2(-1/5) = -3/5$$

$$f(2/5) = 2(2/5) = 4/5$$

$$f(-1/5) + f(2/5) = -3/5 + 4/5 = 1/5$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اگر $B = \{c\}$ باشد، باید:

$$f(1) = f(2) = f(3) = c$$



$$f = \{(1, c), (2, c), (3, c)\}$$

پس تنها یک تابع می‌توان نوشت:

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

رابطه زوج مرتبی تابع به شکل زیر است:

$$\{(1, 2), (-2, 2), (-2, x), (3, x), (-4, x)\}$$

دو زوج مرتب $(-2, 2)$ و $(-2, x)$ مؤلفه اول برابر دارند، پس باید مؤلفه دوم برابر داشته باشند: $x = 2$.

مختصات محل برخورد عرض‌ها: $(0, 1)$ مختصات محل برخورد با محور طول‌ها: $(-1, 0)$ معادله خط گذرنده از نقاط $A(0, 1)$ و $B(-1, 0)$ از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\frac{y - y_A}{x - x_A} = \frac{y_B - y_A}{x_B - x_A} \Rightarrow \frac{y - 1}{x - 0} = \frac{0 - 1}{-1 - 0} \Rightarrow y = x + 1$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

$$\frac{x\left(1 - \frac{1}{x^2}\right) + 1 + \frac{1}{x} - 6\left(1 - \frac{1}{x}\right)}{1 - \frac{1}{x^2}} = 0, \quad x \neq \pm 1, x \neq 0$$

$$x - \frac{1}{x} + 1 + \frac{1}{x} - 6 + \frac{6}{x} = 0 \Rightarrow x^2 - 5x + 6 = 0$$

$$(x - 2)(x - 3) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x = 2 \\ x = 3 \end{cases}$$

$$x = 2 \Rightarrow 4a - 2a + 2 - a + 1 = 0 \Rightarrow a = -3$$

$$x = 3 \Rightarrow 9a - 3a + 3 - a + 1 = 0 \Rightarrow a = \frac{-4}{5}$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ریشه‌ی سوم هر عدد مکعب کامل، عددی منحصر به فرد است.

$$\text{وزن برحسب کیلوگرم} = \frac{W}{x^2} = \text{مجدور قد برحسب متر} = \text{نماتوب}$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

$$\left. \begin{aligned} \text{نماتوب فرد با قد بلندتر} &= \frac{W_1}{x^2} \\ \text{نماتوب فرد با قد کوتاه تر} &= \frac{W_2}{\left(\frac{1}{3}x\right)^2} \end{aligned} \right\} \Rightarrow \frac{W_1}{x^2} = \frac{W_2}{\frac{1}{9}x^2} \Rightarrow \frac{W_1}{W_2} = \frac{x^2}{\frac{1}{9}x^2} = \frac{81}{64}$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

راه حل اول:

$$2a + 4b = 360 \Rightarrow a = \frac{360 - 4b}{2}$$

$$a \cdot b = \frac{360 - 4b}{2} \times b = \frac{360b - 4b^2}{2} = -2b^2 + 180b$$

$$b = \frac{-180}{2(-2)} = 45 \Rightarrow a = \frac{360 - 4(45)}{2} = 90$$

$$|a - b| = 90 - 45 = 45$$

راه حل دوم:

$$2a = 4b = \frac{360}{2} = 180 \Rightarrow \begin{cases} a = 90 \\ b = 45 \end{cases}$$

$$|a - b| = 90 - 45 = 45$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. اگر در رابطه‌ی زوج مرتبی، مؤلفه‌های اول دو زوج مرتب با یکدیگر برابر باشند برای این‌که رابطه تابع باشد، مؤلفه‌های دومشان نیز با یکدیگر باید برابر باشند.

$$\{(1, 2), (-1, -m+3), (-1, 2m)\}$$

چون دو زوج مرتب $(-1, 2m)$ و $(-1, -m+3)$ دارای مؤلفه‌های اول برابرند، برای این‌که رابطه تابع باشد می‌بایست مؤلفه‌های دومشان نیز با یکدیگر برابر باشند، لذا داریم:

$$-m+3 = 2m \Rightarrow 3m = 3 \Rightarrow m = 1$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

گزینه ۳ با حذف یکی از نقاط توپُر یک تابع می‌شود ولی خود نمودار یک تابع نیست.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در عبارت این گزینه، «فروآرد» با «دارد» سجع مطرف ایجاد کرده‌است. (توجه داشته باشید که «نکو» جزء پایه‌ی سجع نیست. چون واژه‌ی مستقل در نقش مسند است. اما «فرو» پیشوند فعل و بخشی از آن است.)

در سایر گزینه‌ها سجع‌ها درست معرفی شده‌اند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سجع بیشتر در نثر به‌کار می‌رود ولی در شعر نیز گاهی از سجع استفاده می‌شود. معمولاً محل قرار گرفتن سجع در شعر، پایان نیم‌مصرع اول، پایان مصرع اول و پایان نیم‌مصرع دوم است. در گزینه‌ی ۱ «خجل و تنگدل» در گزینه‌ی ۲ «نهی و می‌دهی» در گزینه‌ی ۴ «جهان و بدان» پایه‌های سجع هستند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در همه‌ی گزینه‌ها به استثنای گزینه‌ی «۱» یک بار سجع به کار رفته‌است. در عبارت گزینه‌ی «۱» دو بار سجع به کار رفته‌است: ۱- افتاده: پیاده/ ۲- فتادیم، بدادیم
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۲»: زاینده، پاینده

گزینه‌ی «۳»: برگ‌کنند، به در گُند

گزینه‌ی «۴»: دَر گشاده، سرگشاده

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

ویژگی ادبی شعر سبک خراسانی است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

براساس نظر محمدتقی بهار، سبک هندی از قرن دهم تا سیزدهم است و بر پایه‌ی تقسیم بندی ارسطو، سبک‌هایی مانند سبک عرفانی و حماسی براساس موضوع و نوع هستند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

حذف افعال به قرینه مربوط به دوره‌ی غزنوی و سلجوقی است در حالی که ترجمه‌ی طبری مربوط به دوره‌ی سامانی است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

سبک ادبی محصول اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه ۲، میان «تنگ» و «درنگ»، سجع مطّرف وجود دارد.

اما سایر گزینه‌ها، همگی دارای سجع متوازی هستند. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ — «اصل» و «وصل»

گزینه ۳ — «بتفت» و «برفت»

گزینه ۴ — «طواف» و «مصاف»

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. جمله آمده در گزینه ۱ جزو ویژگی‌های فکری شعر سبک خراسانی است نه ادبی.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌های دیگر:

۱- نباید، نشاید = سجع متوازی (که خوش‌آهنگ‌ترین نوع سجع است).

۲- آرند، بیازارند = سجع مطّرف

۳- عمر، مال = سجع مطّرف

۴- (صواب، اولواالألباب)، (نیام، کام) = سجع مطّرف

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کلیله و دمنه، مقامات حمیدی و گلستان سعدی از نمونه‌های نثر فارسی در دوره سبک عراقی‌اند. بقیه موارد از نمونه‌های نثر فارسی در دوره سامانی‌اند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و ابیات گزینه‌ی (۲): حضور همیشگی معشوق مفهوم سایر ابیات:

الف) دوری و دوستی (ج) از خودبی‌خودی عاشق در اثر تجلّی یار (ه) سختی هجران

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

کردن - گرفتن: مطّرف کسب - جهد: متوازن مسرور - مقهور: متوازی

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

سجع در گزینه‌ی ۲ از نوع سجع مطرف است و سجع به کار رفته در سایر گزینه‌ها سجع متوازی است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. موارد این گزینه با توجه به صورت سؤال صحیح‌اند.

از دیگر ویژگی‌های نثر دوره سامانی می‌توان به ایجاز و اختصار در لفظ و معنا، کوتاهی جملات، بهره‌گیری کمتر از لغات عربی و افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر عربی اشاره کرد.

ویژگی‌های فکری دیگر در شعر خراسانی هم عبارتند از: واقع‌گرایی در شعر و توصیفات طبیعی، ساده، محسوس و عینی - معشوق زمینی - سادگی و جنبه عملی و دستوری در اشعار اندرزگونه - فکر و کلام ساده و به دور از پیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و فلسفی. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: ویژگی زبانی شعر سبک خراسانی - ویژگی فکر شعر سبک عراقی

گزینه ۲: ویژگی زبانی شعر سبک خراسانی و نثر دوره سامانی - ویژگی ادبی شعر سبک خراسانی

گزینه ۴: ویژگی نثر دوره دوم (عراقی) - ویژگی فکری شعر سبک خراسانی

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. سبک ترکستانی جزو طبقه‌بندی ملک‌الشعرای بهار است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در بیت این گزینه، سجع وجود ندارد. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: شکافت، برنتافت، یافت

گزینه ۲: مشکل، منزل، دل

گزینه ۴: رو، خو، جو

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. سجع در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: بیش و درویش: سجع مطرف

گزینه ۳: دُر و پُر: سجع متوازی

گزینه ۴: کفور و ضجور: سجع متوازی

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. شعر با پیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و اندیشه‌های فلسفی درنیامیخته است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در سبک خراسانی، ردیف و قافیه، بسیار ساده است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. برگماشتند/ داشتند: مطرف

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) جستند و بستند: متوازی

(۳) بگشادند و بنهادند: متوازی

(۴) نورسیده و نودمیده: متوازی

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. زبینه - درخورنده: مطرف

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) خار - خال: متوازن (۳) عمر - مال: متوازن (۴) باطل - ضایع: متوازن

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

در این گزینه سجع متوازی دیده می‌شود که ارزش موسیقایی آن بیش‌تر است بین: «جواز» و «جهاز» و «امان» و «عیان».

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): بین «پاک» و «صاف» سجع متوازن وجود دارد.

گزینه (۳): بین «خار» و «خال» سجع متوازن وجود دارد.

گزینه (۴): بین «آرند» و «بیازارند» سجع مطرف وجود دارد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): «زاینده» و «پاینده» سجع دارند.

گزینه (۲): «صالح» و «طالح» سجع ندارد چون کلمات پایانی دو عبارت یا جمله نیستند.

گزینه (۳): «نشیند» و «نبیند» سجع دارند.

گزینه (۴): «ترازوست» و «بازوست» سجع دارند.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): «محبوب» و «معذور» فقط هم‌وزن هستند: متوازن

گزینه (۲): واج پایانی یکسان دارند و وزن مشترک ندارند: مطرف

گزینه (۳): فقط در وزن اشتراک دارند: متوازن

گزینه (۴): در واج پایانی و وزن و سجع متوازی است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بین دو عبارت «عمر من رو بر خزان» و «قامت او را به بر» تقابل سجع وجود ندارد.

در ابیات سایر گزینه‌ها تقابل سجع‌ها در دو مصراع، خالق آرایه‌ی موازنه است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. واژه‌ی «شاید» در معنای فعل (شایسته است) به کار رفته است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: «دوستی و دشمنی» متضاد هستند.

گزینه‌ی ۴: در قدیم برای تأکید، ب در آغاز فعل ماضی می‌آمد. (بشناختم)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. آمدن واژه‌های سجع در پایان یوَجملِه شرط لازم کلام مسجع است و این نکته در گزینه‌ی ۱، رعایت نشده است.

گزینه‌ی ۲: نگریند - نپرهیزند (سجع مطرّف)

گزینه‌ی ۳: بیهوده - نپیموده (سجع مطرّف)

گزینه‌ی ۴: پاک - صاف (سجع متوازن)، شریف - کریم (سجع متوازن)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در جامعه‌ی سرمایه‌داری، هویت افراد بیشتر به ثروت و توان اقتصادی آنها وابسته است.

جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان، درباره‌ی ابعاد اجتماعی هویت انسان‌ها بحث می‌کنند.

به فرایند مشارکت فرد در زندگی اجتماعی و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه‌پذیری یا فرهنگ‌پذیری می‌گویند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

- هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد، بازتولیدش با مشکل مواجه می‌شود و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

- موفقیت‌آمیز نبودن جامعه‌پذیری می‌تواند منجر به کجروی اجتماعی شود.

- فرهنگ‌هایی که ظرفیت منطقی و عقلانی بیشتری داشته و با فطرت آدمیان سازگارترند، از قدرت اقناعی بیشتری برخوردارند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

- حفظ نوبت کنش اجتماعی است.

- اشغال کردن صندلی دیگران یعنی حفظ حقوق دیگران یک ارزش اجتماعی است.

- تذکر دادن مأموران یک نوع کنترل اجتماعی است. (درس ۲ - ص ۱۴)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود جامعه‌پذیری می‌گویند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تشریح عبارت نادرست: اقناع روشی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هر جهان اجتماعی، کسانی را که مطابق ارزش‌ها و قواعدش عمل کنند، تشویق می‌کند و به آن‌ها پاداش می‌دهد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. این سؤال مربوط به مبحث «هویت اجتماعی و جامعه‌پذیری» است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. هر چه قدرت اقناع یک فرهنگ بیشتر باشد، افراد رفتارهای متناسب با آن فرهنگ را بیشتر انجام می‌دهند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. جهان اجتماعی پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. رعایت نوبت دیگران، یک هنجار اجتماعی است. / اعتراض کردن یک کنش اجتماعی است و با هدف، آگاهی و اراده افراد انجام می‌شود. / تذکر دادن، کنترل اجتماعی محسوب می‌شود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در جهان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر در فرآیندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارد و دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی بسیاری است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در جهان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر در فرآیندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارد و دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی بسیاری است.
امر به معروف و نهی از منکر روش‌های مختلفی دارد. برخی روش‌های آن تبلیغی و برخی تشویقی یا تنبیهی است. امر به معروف در مواردی، همگانی و به عهده‌ی همه‌ی افراد جامعه است و در برخی موارد، وظیفه‌ی سازمان‌های رسمی و حکومتی است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بررسی عبارت نادرست:
تشویق و تنبیه غیررسمی که بیش‌تر توسط خانواده، هم‌سالان و عموم افراد جامعه انجام می‌شود، آثار و نتایج عمیق‌تری دارد.
توضیح نکات درسی: فرهنگ‌پذیری همان جامعه‌پذیری است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. جامعه‌ای که برای کنترل اجتماعی روش‌های مناسبی دارد:
- در معرض آسیب قرار نمی‌گیرد.
- در بازتولید هویت دچار مشکل نمی‌شود.
- دوام و بقای آن تهدید نمی‌شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.
- بازتولید هویت اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی انجام می‌شود.
- تبلیغ و اقناع روشی است که به واسطه‌ی آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: نَعْرِفُ: می‌شناسیم / بِ: با / تُشَاهِدُ: [که] مشاهده کند / اِتِّجَاهِينَ: دو جهت

جهت

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) «تستطیع» ترجمه نشده است - نگاه می‌کند («أَنْ تَشَاهِدَ» باید به شکل مضارع التزامی ترجمه شود نه مضارع اخباری)
 (۲) شناخته می‌شود (ص: می‌شناسیم) - «تستطیع» ترجمه نشده.
 (۴) برای (ص: با) - نگاهش که عجیب است (ص: نگاه عجیبش) - چندین جهت (دو جهت، «اِتِّجَاهِينَ» مثنی است).

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ربّما: شاید، چه بسا (رَدّ گزینه‌ی ۲) [«قَطْعاً» ترجمه‌ی درستی برای آن نیست. / اُن یَسْتَعِينُ از ... یاری بجوید، از ... کمک بگیرد (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۳) [«از ... استفاده کند» ترجمه‌ی درستی برای آن نیست. / المعجزات البحرّیة: معجزات دریایی (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۲) [«دریا» اشتباه است. / اِنَارَة: نورانی کردن، روشن کردن (رَدّ گزینه‌های ۲ و ۳) [«نورانی شدن» ترجمه‌ی درستی برای آن نیست.]

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: قُل: بگو / فانظروا: و ببینید / بَدَأَ الخلق: آفرینش را آغاز کرد
 بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) گفت (بگو، «قُل» فعل امر است.) - تا (ص: و) - آغاز شده است (ص: آغاز کرد، «الخلق» مفعول است).
 (۳) بر (ص: در) - چگونگی (ص: چگونه، چطور) - آغاز (ص: آغاز کرد).
 (۴) گفت (مانند ۱) - «باید» اضافی است - تا (مانند ۱) - چگونگی (مانند ۳) - شروع (مانند ۳).

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.
 «رَبِّمَا يُنِيرُ»: چه بسا نورانی کند، شاید روشن کند / «البَکْتِیرِیَا الَّتِی»: باکتری که (رد گزینه‌های «۱ و ۲») / «نَعِیشُ»: زندگی می‌کند (رد گزینه‌ی «۱») / «یَسْتَعِينُ»: یاری بجوید، کمک بخواهد (رد گزینه‌های «۲ و ۳»).
 نکته‌ی مهم درسی:
 در ترجمه‌ی اسامی، به مفرد و جمع بودن آن‌ها دقّت کنیم.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این گزینه «ما» خبر است اما در سایر گزینه‌ها «ما» نقش مفعول دارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «تَتَكَلَّمُ» فعل مضارع از باب تَفَعَّل است که بر وزن «تَتَفَعَّلُ» می‌آید، همچنین «مُعَيَّنَة» اسم مفعول به معنی «تعیین‌شده، مشخص‌شده» است، پس باید روی عین الفعل خود حرکت فتحه داشته باشد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در این گزینه «تدریس» مضاف، «المعلّم» مضاف‌الیه و «الجديد» صفت است و هیچ اسمی هم مضاف و هم موصوف نیست. در گزینه‌ی «۱» «جذوة»، در گزینه‌ی «۲» «عباد» و در گزینه‌ی «۳» «شباب» هم مضاف و هم موصوف هستند.

نکته‌ی مهم درسی: ترکیب وصفی اضافی در عربی به دو شیوه‌ی زیر می‌آید:

اسم بی «ال» + ضمیر متصل + اسم «ال» دار

اسم بی «ال» + اسم معرفه + اسم «ال» دار

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. رجالٌ: «مبتدا» / «يَرْجِعُونَ»: خبر (پس جمله، اسمیه است).

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: با توجه به «يُطَالِعُ» جمله، فعلیه محسوب می‌شود.

گزینه ۳: «أُحِبُّ: دوست دارم» فعل است و جمله، فعلیه می‌باشد. چون با فعل شروع شده است.

گزینه ۴: «أُذْكَرِي: یاد کن» فعل است و جمله، فعلیه می‌باشد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تَعْلَمُ: اسم و مبتدا، مِنْ أَهَمِّ: جار و مجرور در نقش خبر [یاد گرفتن درس‌ها، از مهم‌ترین

کارهای دانش‌آموز است.] نقش «تَعْلَمُ» در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: فعل امر: «یاد بگیر» / گزینه ۲: مجرور به حرف جرّ / گزینه ۴: فعل ماضی: «یاد گرفت»

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

در ترکیب «كُلٌّ مِّنْ»، «كُلٌّ» مضاف و «مِّنْ» مضاف إلیه است! بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «مِّنْ» مجرور بحرف جرّ «إلی» است!

۲) مفعول فعل «رَأَيْنَا» است! (دیدیم کسی را که ...)

۳) «أُولَئِكَ» مبتدا و «مِّنْ» خبر است! (آن‌ها کسانی هستند که ...)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

در این گزینه «المواطنین» مفعول است و چون جمع مذكر سالم است، منصوب بالياء مناسب آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

«الدّلافین» و «المساکین» جمع مذكر سالم نیستند بلکه جمع مکسرند و حرف «ی» در آنها علامت اعراب نیست. «سبعین»

در گزینه‌ی ۲ هم مضاف إلیه و مجرور است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

در این گزینه هیچ فعلی به کار نرفته است بنابراین جمله‌ی فعلیه‌ای نیز به کار نرفته است! دقت کنید که هر فعلی به

تنهایی یک جمله‌ی فعلیه را آغاز می‌کند حتی اگر در انتهای جمله آمده باشد!

در گزینه‌ی ۱ «قَدْ دَلَّتْ: راهنمایی کرده است» در گزینه‌ی ۳ «يَسْكُنْ: زندگی می‌کند» و «يَنَامُ: می‌خوابد» و در گزینه‌ی ۴ «لَا

تکتبوا: ننویسید» فعل هستند بنابراین در این گزینه‌ها جمله‌ی فعلیه به کار رفته است!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

خطاهای این گزینه:

المُصَابِيح (حرکت گذاری صحیح این کلمه «المُصَابِيح: چراغ‌ها» می‌باشد!) - يَنْبَغْتُ (این فعل مضارع از باب انفعال است،

بنابراین باید بر وزن «يَنْفَعِلُ» باشد، در نتیجه «يَنْبَغْتُ» صحیح است!)

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۱) مرد از بهلول دلیل ساختن مسجد را پرسید! (برعکسش درسته)

(۲) بهلول نیت مرد را در نهایت فهمید!

(۳) مرد از کار بهلول خشمگین نشد! (خشمگین شد!)

(۴) بهلول مسجدی را برای کسب ثواب ساخت! (بهلول مسجد را نساخته بود!)

ترجمه‌ی متن:

«مرد نیکوکاری مسجدی ساخت. بهلول درباره‌ی علت ساخت مسجد پرسید. مرد گفت: آن را برای کسب ثواب ساخته‌ام.

بهلول تصمیم گرفت مرد و مقدار خلوصش در عمل را امتحان کند. پس در شبی روی دیوار مسجد نوشت: این مکان

مقدس را مرد نیکوکار بهلول ساخته است. در صبح وقتی خبر منتشر شد مردم برای تبریک گفتن برای کار نیکش نزد

بهلول رفتند. آن مرد نیکوکار این خبر را شنید و به شدت خشمگین شد و نزد بهلول رفت و به او دشنام داد!»

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۱) آزمایش عمل (۲) إخلاص در عمل (۳) زندگی بهلول (۴) ساخت مسجد

خطای این گزینه:

فاعله «هذا» (با دقت در معنای جمله، درمی‌یابیم که «الرجل» فاعل و «هذا» مفعول است!)

خطای این گزینه:

فعله المضارع علی وزن «يُفْعَلُ» («إِخْلَاصُ» بر وزن «إِفْعَالُ» است بنابراین مضارع آن بر وزن «يُفْعِلُ»: يُخْلِصُ می‌باشد!)

کلمات مهم: جغد: «البوم، البومة» (رد گزینه‌های ۱ و ۴، «البطّ» معادل «اردک» است!) / بدون حرکت دادن: «بدون تحریک»

(رد گزینه‌های ۱ و ۲، «تَحَرَّكُ» معادل «حرکت کردن» است نه «حرکت دادن»!) / چشمانش: «عینیه» (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲،

«عینه: چشمش» مفرد است اما «چشمانش» مفرد نیست! / حرکت داد: «حَرَّكَ» (ردّ سایر گزینه‌ها!، «تَحَرَّكَ: حرکت کرد»،

«تُحَرَّكُ: حرکت می‌دهد» و «تَتَحَرَّكُ: حرکت می‌کند» همگی نادرست هستند!)

(۲) «اللّه» هرگز مضاف نمی‌شود. «أَحَبُّ» مبتدا و «ما» خبر است.

(۳) مضاف هرگز «ال» نمی‌گیرد. «الْخَيْرُ» مبتدا و «ما» خبر است.

(۴) قبل از مضاف‌الیه، حتماً باید اسم بیاید. «يَعْلَمُ» فعل و «ما» مفعول است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. پادشاهان هخامنشی به ویژه داریوش یکم ادعا می‌کردند که به او خواست اهوره مزدا به مقام پادشاهی دست یافته‌اند و به یاری او بر کشور فرمان می‌راندند. این ادعا به نوعی به حکومت آنان جنبه دیگری می‌داد و مردم را تشویق و ترغیب به فرمان‌برداری از آنان می‌کرد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ی نادرست:

در ابتدای زمامداری اردشیر دوم، حکومت دچار تفرقه‌ی درونی شد و برادرش کورش کوچک در آسیای صغیر سر به شورش برداشت و با سپاهی از مزدوران یونانی راهی پایتخت گردید. در جنگی که میان دو برادر رخ داد کورش کوچک شکست خورد و کشته شد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. داریوش سوم آخرین فرمانروای هخامنشی پس از قتل اردشیر سوم بر تخت نشست، دلیر و جوانمرد بود اما تدبیر و درایت شاهان نخستین هخامنشی را نداشت. بررسی گزینه‌های نادرست:

۱- اسامی باید جابه‌جا شوند — داریوش سوم - اردشیر سوم

۳- پس از خشایارشا — اردشیر دوم روی کار آمد در زمان او برادرش سر به شورش برداشت از صفت او خوش‌گذرانی و جاه‌طلبی بوده نه دلیری و جوانمردی.

۴- کورش کوچک برادر اردشیر دوم بود و اردشیر دوم بر تخت نشسته بود که با شورش برادرش روبه‌رو شد و کورش کوچک در جنگ کشته شد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

در زمان داریوش سوم، اسکندر با سپاهی بسیار قوی، آموزش دیده و تشنه‌ی قتل و غارت به ایران تاخت.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. داستان مشهور هزار و یک شب براساس قصه «هزار افسان» به وجود آمده است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. خاندان هخامنشی از زمان پادشاهی اردشیر دوم که از ۴۰۴ تا ۳۵۸ ق.م. حکومت می‌کرد، دچار تفرقه‌ی درونی شد. در ابتدای زمامداری او، برادرش کورش کوچک در آسیای صغیر سر به شورش برداشت و با سپاهی از مزدوران یونانی راهی پایتخت شد. در جنگی که میان دو برادر رخ داد، کورش کوچک شکست خورده و کشته شد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. قبایل ماد از جمله اقوام آریایی بودند که در بخش وسیعی از مناطق غربی و مرکزی ایران استقرار یافتند و برای اولین بار در قرن ۹ ق. م. در سالنامه‌های آشوری به مادی‌ها اشاره شده است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کورش فرمان داد تا ماجرای فتح صلح‌آمیز بابل را بر لوحی استوانه‌ای از گِل رُس به زبان بابلی بنویسند. این لوح که در سال ۱۸۷۹ م. / ۱۲۵۸ ش. در بابل کشف شد، هم‌اکنون در موزه‌ی بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود و به «منشور کورش» معروف است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. خاندان هخامنشی از زمان پادشاهی اردشیر دوم که از ۴۰۴ تا ۳۵۸ ق.م. حکومت می‌کرد، دچار تفرقه‌ی درونی شد. در ابتدای زمامداری او، برادرش کورش کوچک، در آسیای صغیر سر به شورش برداشت و با سپاهی از مزدوران یونانی راهی پایتخت شد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اهمیت و شهرت فوق‌العاده‌ی داریوش بزرگ در تاریخ ایران به خاطر اقدامات اساسی و کم‌نظیری بود که برای ایجاد تشکیلات نوین اداری، نظامی و اقتصادی انجام داد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. کورش مدتی پس از به قدرت رسیدن، به آسیای صغیر لشکرکشی کرد و حکومت لیدی و سایر دولت - شهرهای آنجا را شکست داد و شهر ثروتمند سارد، پایتخت لیدی و تمامی آسیای صغیر را به تصرف خود درآورد. در نتیجه‌ی این فتوحات، حکومت هخامنشیان به ثروت هنگفتی دست یافت و با دولت - شهرهای یونانی همسایه شد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. داریوش هخامنشی به منظور دفع حملات قبایل صحراگرد سکایی، به مناطق دوردستی در شمال دریای سیاه و جنوب روسیه‌ی کنونی لشکرکشی کرد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. با توجه به ناهمواری‌ها و جهت آن‌ها، هرچه از غرب به سمت شرق کشور برویم، مقدار آب رودها کمتر می‌شود. با توجه به کم آبی و خشک بودن سرزمین ایران، ایرانیان برای دستیابی به آب، قنات را ابداع کردند تا در تمام سال آب مورد نیاز را در اختیار داشته باشند.

بررسی گزینه‌های نادرست:

۱) دربارهی ویژگی رودهای ایران درست است.

۲) دربارهی ویژگی رودهای ایران درست است.

۳) دربارهی ویژگی رودهای ایران درست است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

رودهایی که به دریای خزر می‌ریزند ← ولگا - اورال - سفیدرود - هراز - اترک - گرگان - کورا - ارس
رودهایی که به خلیج فارس می‌ریزند ← کارون - کرخه - دالکی - مُند
«جراحی - هندیجان - زهره - شوره و غیره هم در تصویر مربوط به خلیج فارس آمده‌اند.»
بررسی گزینه‌های نادرست:

۱- سیمینرود برای دریاچه‌ی ارومیه است.

۳- اترک و ارس برای دریای خزر است

۴- نیک‌شهر برای دریای عمان و زرینه‌رود برای دریاچه‌ی ارومیه است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. به محدوده‌ای که با توجه به شکل زمین و شیب ناهمواری‌ها، آب‌های جاری را به سوی پایین‌ترین نقطه‌ی آن هدایت کند، حوضه‌ی آبریز می‌گویند. بررسی گزینه‌های نادرست:

۱- کانون آبگیر سرچشمه رودهای متعدد در مناطق مرتفع کوهستانی است.

۲- رودها غالباً از کانون‌های آبگیر سرچشمه می‌گیرند با تعریف بدنه‌ی سؤال تفاوت دارد.

۳- تعریف دریاچه‌ها با تعریف آورده‌شده متفاوت است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. دریاچه‌های فصلی ایران در فصول پربارش، یعنی از اواخر پاییز تا اوایل فصل بهار وسعت بیشتری پیدا می‌کنند، ولی در ماه‌های گرم و یا در سال‌های کم‌بارش به دلیل تبخیر، آب آن‌ها خشک شده یا به شکل باتلاق و شوره‌زاد درمی‌آیند. از مهم‌ترین دریاچه‌های فصلی ایران می‌توان به دریاچه مسیله در قم، نریر در فارس، هامون در سیستان و بلوچستان و جازموریان بین دو استان کرمان و سیستان و بلوچستان اشاره کرد. توجه داشته باشید که دریاچه‌های پریشان یا فامور و دریاچه مهارلو در استان فارس، در طبقه‌بندی دریاچه‌ها به عنوان دریاچه‌های داومی معرفی شده‌اند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. دریاچه سبلان دریاچه دائمی و کوچکی یاست که آب آن از ذوب برف تأمین می‌شود و به دلیل سرمای ناشی از ارتفاع، اغلب مواقع سال یخ بسته است. (به دلیل اینکه دریاچه در همه ماه‌های سال آب دارد، دائمی است؛ در حالی‌که دریاچه‌های فصلی، تغییرات وسعت دارند و در برخی ماه‌ها، خشک می‌شوند، اما دریاچه سبلان خشک نمی‌شود). بنابراین، دریاچه سبلان یک دریاچه دائمی است و به ویژه در کم‌بارش یا دوره گرم سال، وسعت آن، فاقد تغییرات اساسی است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. خلیج فارس و قرارگیری آن در جنوب ایران، موقعیت نسبی ممتازی را برای کشورمان، فراهم ساخته است؛ به طوری‌که این دریا منابع عظیم نفت و گاز دارد تا آنجا که ۶۶ درصد ذخایر نفت و ۲۸ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان را دارد. ارزش فرهنگی و سیاسی زیادی دارد؛ به طوری‌که در مرکز و قلب ناحیه جغرافیایی و سیاسی جهان اسلام قرار دارد. دارای انواع ماهی و میگو است و بنابراین مشاغل مختلفی مانند صیادی و پرورش ماهی و میگو را فراهم کرده است. از مهم‌ترین مراکز صید و پرورش مروارید است و شرایط مناسبی برای گسترش تجارت دریایی، فراهم ساخته است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در این سؤال لازم است مشخصات هر سه دریای کشور را به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار داد. در گزینه ۲ خلیج فارس و دریای عمان هر دو محل صید و پرورش میگو هستند. خلیج فارس با هشت کشور همسایه است اما دریای عمان با سه کشور مرز سیاسی مشترک دارد (ایران، پاکستان و عمان). در نهایت خلیج فارس و دریای خزر هر دو به طور مشترک مکان بهره‌برداری از منابع نفت و گاز هستند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کانون‌های آبگیری که بیش از ۵۰۰ میلی‌متر بارش داشته باشند و حداقل در هشت ماه از سال، این بارش‌ها اتفاق بیفتد، به آن‌ها کانون‌های دائمی می‌گویند. بیشتر سیل‌ها پس از یک بارش شدید و سریع جاری می‌شوند اما اگر این بارش در مدت زمان طولانی‌تری انجام شود منجر به سیل نمی‌شود؛ زیرا رودخانه جریان آب حاصل از بارش را به تدریج تخلیه می‌کند. بارش‌هایی که شدت آن‌ها کمتر اما مدت آن‌ها بیشتر است، بیشتر نفوذ می‌کند و تأثیر بسیار بیشتری در ناپایداری دارند؛ اما بارش‌های شدید به سرعت جاری می‌شوند و کمتر نفوذ پیدا می‌کنند تا موجب لغزش شوند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. برخی از دریاچه‌های دائمی ایران عبارت‌اند از: زریبار، پریشان و مهارلو

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هر کدام از دریاچه‌های مرزی کشور ما یعنی خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر، از نظر موقعیت مطلق (طول و عرض جغرافیایی و پدیده‌های ثابت) و موقعیت نسبی (مجاورت با یک پدیده انسانی یا طبیعی که ممکن است در طی زمان، دچار تغییر شوند) دارای مشخصات منحصر به فرد هستند و ممکن است در برخی موارد مشابهت‌هایی داشته باشند (مانند داشتن منابع نفت و گاز دریای خزر و خلیج فارس). براساس این سؤال مورد الف رودهای ورود خلیج فارس را نشان می‌دهد. مورد ب از ویژگی‌های صید آبزیان خلیج فارس است که سایر دریاها فاقد آن هستند و مورد ج بیان‌گر رودهای ورودی به دریای خزر است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. طولانی‌ترین رودهایی که به این دریا می‌ریزد عبارت‌اند از: رود ولگا و اورال از شمال، سفیدرود و هراز از جنوب دریا یا شمال ایران، رود اترک و گرگان از جنوب شرق و رود کورا و ارس از سمت جنوب غرب. قابل ذکر است که در این سؤال به جهت جغرافیایی رودهای ورودی توجه داشته باشید. به ویژه این‌که شمال کشور ما همان جنوب دریای خزر است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. زمانی که گفته می‌شود انتظار نداریم یعنی در بین گزینه‌ها، یکی از موارد با کانون‌های آبگیر دائمی مطابقت ندارد. در این سؤال گزینه‌ی ۳ نادرست است. زیرا حداقل ۸ ماه از سال در کانون‌های آبگیر دائمی انتظار بارش داریم در حالی که در این گزینه نوشته است تنها در فصول سرد سال که ۶ ماه است انتظار بارش دارد. سایر گزینه‌ها با ویژگی‌های کانون دائمی مطابقت دارد و انتظار آن را داریم.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. طول این دریا حدود ۱۲۰۰ کیلومتر و عرض متوسط آن ۳۰۰ کیلومتر است. مساحت آن با توجه به تغییرات سطح آب، متفاوت است. سطح آب این دریا از سطح آب‌های آزاد حدود ۲۸ متر پایین‌تر است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «برخی» مشترک میان موجبه جزئی و سالبه جزئی است، هیچ‌کدام مربوط به سالبه کلی و هر کدام مربوط به موجبه کلی است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بین موضوع و محمول قضیه‌ی «موجبه‌ی جزئی» می‌تواند نسبت تساوی، عموم و خصوص مطلق یا عموم و خصوص من‌وجه برقرار باشد و بین موضوع و محمول قضیه‌ی «موجبه‌ی کلیه» نسبت تساوی یا عموم خصوص مطلق می‌تواند برقرار باشد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. برای تشخیص نوع قضایای حملی، نیاز به معیار و ملاک دقیق داریم. این معیار بدین شرح است:

برای قضیه‌ی شخصی، موضوع قضیه «مفهوم جزئی» است، یعنی موضوع قضیه یک شخص یا مجموعه‌ای مشخص و بسته است و محمول قضیه، یک‌بار بر کل آن شخص یا مجموعه‌ی مشخص و بسته حمل می‌شود و نمی‌توانیم محمول را جداگانه بر هر یک از مصادیق موضوع حمل کنیم. همچنین برای قضیه‌ی محصوره، موضوع قضیه «مفهوم کلی» است، یعنی موضوع قضیه اشخاص یا مجموعه‌ای هستند که محمول قضیه می‌تواند چند بار و هر بار به‌طور جداگانه بر هر یک از مصادیق آن اشخاص یا مصادیقی که آن مجموعه در برمی‌گیرد، حمل شود.

تشریح گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: این قضیه، یک قضیه‌ی محصوره است، زیرا موضوع، مفهوم کلی است، چراکه مجموعه‌ای است که محمول می‌تواند چندین بار و هر بار به‌طور جداگانه بر مصادیق آن مجموعه که «استدلال قیاسی» است، حمل شوند. (می‌توان گفت که استدلال (الف) به‌عنوان یک استدلال قیاسی، نتیجه‌ی یقینی دارد. استدلال (ب) به‌عنوان یک استدلال قیاسی، نتیجه‌ی یقینی دارد و به همین ترتیب.)

گزینه‌ی «۲»: این قضیه، یک قضیه‌ی محصوره است، زیرا موضوع، مفهوم کلی است، چراکه اشخاصی است که محمول می‌تواند چندین بار و هر بار به‌طور جداگانه بر مصادیق آن اشخاص که «اعضای خانواده‌ام» است، حمل شود. (می‌توان گفت که پدرم به‌عنوان یکی از اعضای خانواده‌ام، بسیار مهربان است. مادرم به‌عنوان یکی از اعضای خانواده‌ام، بسیار مهربان است و به همین ترتیب.)

گزینه‌ی «۳»: این قضیه، یک قضیه‌ی محصوره است، زیرا موضوع، مفهوم کلی است، چراکه مجموعه‌ای است که محمول می‌تواند چندین بار و هر بار به‌طور جداگانه بر مصادیق آن مجموعه که «فلز» است، حمل شوند. (می‌توان گفت که آهن به‌عنوان یک فلز، رسانایی گرمایی بالایی دارد. آلومینیوم به‌عنوان یک فلز، رسانایی گرمایی بالایی دارد و به همین ترتیب.)

گزینه‌ی «۴»: این قضیه، یک قضیه‌ی شخصی است، زیرا موضوع، مفهوم جزئی است، چراکه مجموعه‌ای است که محمول یک‌بار بر کل آن مجموعه که «تیم فوتسال محله» است، حمل می‌شود، (نمی‌توان گفت که بازیکن (الف) برنده‌ی مسابقات شد. بازیکن (ب) برنده‌ی مسابقات شد و به همین ترتیب.)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. درستی خبر یا قضیه، شرط اینکه آن یک قضیه است نیست، زیرا می‌توان درباره‌ی آن داوری کرد و درستی و نادرستی آن را تشخیص داد.

در گزینه ۲: موضوع این کیف است که یک مفهوم جزئی است.

در گزینه ۲: اشکان موضوع قضیه است که یک مفهوم جزئی است و جای موضوع و محمول عوض شده است.

گزینه ۴: قضیه نیست، زیرا یک جمله‌ی انشائی است. (درس ۶ - ص ۵۸ و ۵۹)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این گزینه، قضیه‌ی حملی وجود دارد، ولی در سایر گزینه‌ها، جمله‌ی انشائی و یا بخشی از یک قضیه‌ی شرطی وجود دارد که قضیه محسوب نمی‌شوند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. این جمله، یعنی «بعضی از مردم به رفاه و آسایش فکر می‌کنند.» و یک قضیه‌ی محصوره و موجب‌ه جزئی است. اما «مردم ایران» چون مجموعه‌ی معین است و محمول به کل افراد موضوع در حالی‌که مجموعه معین است، نسبت داده شده این قضیه شخصی است. «این فرش‌ها» مفهومی جزئی است، پس این قضیه نیز شخصی است و در عبارت «فلسفه ریشه‌ای عربی دارد» چون به لفظ فلسفه اشاره شده، جزئی است و این قضیه نیز شخصی است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در قضیه‌ی حملی تكثر در موضوع یا محمول باعث تكثر در قضیه می‌شود. در این‌جا با دو قضیه‌ی حملی شخصی روبه‌رو هستیم.

ابن‌سینا از فیلسوفان اسلامی است. فارابی از فیلسوفان اسلامی است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تنها جملات خبری‌اند که قابلیت صادق یا کاذب بودن دارند و مطابقت آن‌ها با واقعیت قابل تعیین است. در جملات انشایی نمی‌توان حکمی صادر کرد، زیرا حکم همان خبر و قضاوت درباره‌ی یک واقعیت است که قابلیت بررسی صدق و کذب را دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) جملات انشایی را نمی‌توانیم با واقعیت مطابقت دهیم، اعم از این‌که واقعیت خارجی و یا ذهنی باشد.
تذکر: برای تعیین صدق و کذب برخی قضایا (نه جملات انشایی) آن‌ها را باید با ذهن مطابقت داد (مانند: من شاد هستم). و برخی قضایا را باید با خارج مطابقت داد.

۲) جملات انشایی بامعنا هستند و می‌توانیم معنای آن‌ها را تشخیص دهیم، اما چون خبری را نمی‌رسانند، قابلیت صدق و کذب ندارند و در نتیجه قضیه محسوب نمی‌شوند.

۴) حقیقت به معنای واقعیت نیست، اگر چه به غلط در برخی مواقع به جای هم به کار می‌روند. فهم انسان اگر از یک واقعیت درست باشد، حقیقت گفته می‌شود و گرنه خطا است. بنابراین حقیقت و خطا ویژگی‌های فهم انسان هستند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در منطق جملات انشایی مورد توجه قرار نمی‌گیرند؛ بلکه به جملات خبری که قابلیت صدق و کذب دارند توجه می‌شود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اجزاء قضیه‌ی اول عبارت‌اند از: «دانش‌آموزان»، موضوع؛ «نویسنده‌ی تکالیف خود»، محمول و در قضیه‌ی دوم، «من» موضوع و «چشم در راه تو» محمول است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. قضیه‌ی حملی به لحاظ «موضوع» به شخصی و محصوره، به لحاظ «کمیت» به جزئی و کلی و به لحاظ «کیمیت» به سالبه و موجه قابل تقسیم است؛ اما به لحاظ محمول قابل تقسیم نیست.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. فقط گزینه‌ی ۴ یک قضیه است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: یک جمله‌ی شرطی است نه قضیه‌ی شرطی

گزینه‌ی ۲: ای حرف ندا است، خبری نیست و قضیه هم محسوب نمی‌شود.

گزینه‌ی ۳: جمله‌ی سؤالی است؛ جملات سؤالی قضیه نیستند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در سایر گزینه‌ها سور کلی (هر، هیچ) به کار رفته است اما در گزینه‌ی ۳ به ظاهر سور کلی

به کار رفته، اما اگر دقت کنیم مفهوم جمله، بیان‌گر قضیه‌ای جزئی است.

بعضی از افراد که قدرت زیادی دارند، محق نیستند.

بعضی از افراد که قدرت زیادی دارند، محق هستند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

هیچ‌کس جز علی (ع) فاتح خیبر نیست = علی (ع) فاتح خیبر است ← شخصیه است، چون موضوع جزئی دارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

در سایر گزینه‌ها به حسب موضوعشان که مفهومی کلی است، با قضایای محصوره سر و کار داریم. در گزینه ۳ موضوع

قضیه مفهومی جزئی است. درس ۶ صفحه ۵۸

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تهران از لحاظ معنایی، موضوع قضیه است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در منطق تنها افعال ربطی (است، بود، شد، گشت و گردید) به عنوان رابطه در نظر گرفته

می‌شود و اگر قضیه دارای فعلی غیر از این‌ها بود باید به فعل ربطی تبدیل شود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. قضایای حملی همان جملات خبری در ادبیات‌اند (نه هر جمله‌ای).

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اجزای قضیه‌ی اول: کسی (موضوع) رونده به مسافرت (محمول) نیست (رابطه)

اجزای قضیه‌ی دوم: دانش و دین (موضوع) رهاننده تو (محمول) است (رابطه)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی عبارات صورت سؤال:

الف) غلط است، همه‌ی کسانی که شغلی ندارند، بیکار نیستند. بیکار کسی است که بالاتر از ۱۵ سال دارد و در

جست‌وجوی کار است، اما کاری برای خود پیدا نمی‌کند. بنابراین کسانی که دانش‌آموز و دانشجو هستند و یا بازنشسته و

خانه‌دارند و دنبال کار نمی‌گردند، بیکار محسوب نمی‌شوند.

ب) غلط است، همه‌ی کسانی را که به‌صورت پاره‌وقت مشغول به‌کارند، شاغل به حساب می‌آیند، در حالی که آن‌ها در

جست‌وجوی شغل تمام‌وقت هستند و خود را شاغل به حساب نمی‌آورند.

ج) صحیح است.

د) غلط است، بیکاری اصطکاک‌ی: این نوع بیکاری شامل کسانی می‌شود که شغل قبلی خود را به دلایلی رها کرده و به امید

یافتن شغلی بهتر در جست‌وجو هستند. همچنین شامل کسانی است که به تازگی در حال ورود به بازار کار هستند. این

نوع بیکاری کوتاه‌مدت است و در همه‌ی کشورها وجود دارد.

ه) صحیح است.

و) غلط است، بیکاری دوره‌ای: بیکاری‌ای که هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد. در دوره‌ی رکود، تولید کاهش می‌یابد و به

همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار می‌کنند.

الف) مجموع افراد شاغل و بیکار برابر با جمعیت فعال است.

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{32}{80} \times 100 = 40 \text{ درصد}$$

ب) جمعیت فعال افرادی هستند که یا مشغول به کارند یا به دنبال کار می‌کردند. افرادی که در سن کار (بالای ۱۵ سال) قرار دارند، ولی شاغل و یا بیکار نیستند، در جمعیت غیرفعال دسته‌بندی می‌شوند، مانند زنان خانه‌دار.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ مربوط به مسئولیت‌های اجتماعی مردم است در حالی که گزینه ۲ وظیفه‌ی دولت است. ۱۳۳

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مطابق با معیار بانک جهانی، افرادی که زیر ۱/۹ دلار درآمد دارند، زیر خط فقر مطلق‌اند. انتخاب فلزات موجب گسترش تجارت در داخل کشورها و بین ملت‌ها شد. در دوران قاجار ایران، فرصت طلایی خود را برای جبران کاستی‌ها از دست داد. ۱۳۴

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. الف) با توجه به دسته‌بندی جمعیت کشور به صورت: ۱۳۵

جمعیت کل کشور: - زیر ۱۵ سال، - ۱۵ سال و بالاتر (غیرفعال - فعال ← شاغل و بیکار).

برای تعیین جمعیت فعال، کفایت مجموع جمعیت غیرفعال و زیر ۱۵ سال را از جمعیت کل کشور کم کنیم.

$$\text{جمعیت فعال} \Rightarrow 56 - \left[12 + \left(\frac{1}{5} \times 56 \right) \right] = 56 - [12 + 11] = 33$$

نکته: جمعیت بازنشستگان جزء جمعیت غیرفعال بوده و در آن لحاظ شده است.

ب)

جمعیت شاغل - جمعیت فعال $\Rightarrow$ جمعیت بیکار

$$12 = (36 - 12) \times 3 = 36 - 12 \Rightarrow \text{جمعیت بیکار}$$

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100 = \frac{12}{36} \times 100 = 33\%$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ۱۳۶

الف) بیکاری که هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد بیکاری دوره‌ای است که در نتیجه رکود اقتصادی کارخانه عده‌ای از کارگران خود را بیکار می‌کند.

ب) برای به دست آوردن نرخ بیکاری ابتدا جمعیت فعال و غیرفعال را حساب می‌کنیم پس طبق فرمول جایگذاری

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100 \Rightarrow \text{نرخ بیکاری} = \frac{3}{12} \times 100 = 25 \text{ درصد می‌کنیم.}$$

ج) برای جمعیت غیرفعال، ابتدا جمعیت بیکار و شاغل را جمع می‌کنیم و جمعیت فعال را به دست می‌آوریم. سپس جمعیت فعال را از کل جمعیت کم می‌کنیم و جمعیت غیرفعال را به دست می‌آوریم که ۲۳ میلیون نفر می‌شود.

جمعیت زیر ۱۵ سال - جمعیت کل = جمعیت ۱۵ سال و بالاتر

$$\text{نفر } ۲۶,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۴,۰۰۰,۰۰۰ - ۴۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{جمعیت } ۱۵ \text{ سال و بالاتر}$$

۴۰ درصد جمعیت ۱۵ سال و بالاتر جزو جمعیت غیرفعال می‌باشند، در نتیجه ۶۰ درصد جمعیت ۱۵ سال و بالاتر جزو

$$\text{جمعیت فعال می‌باشند.} \quad \text{جمعیت } ۱۵ \text{ سال و بالاتر} \times \frac{۶۰}{۱۰۰} = \text{جمعیت فعال}$$

$$\text{نفر } ۱۵,۶۰۰,۰۰۰ = ۲۶,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۶۰}{۱۰۰} = \text{جمعیت فعال}$$

جمعیت شاغل - جمعیت فعال = جمعیت بیکار

$$\text{نفر } ۵,۴۶۰,۰۰۰ = ۱۰,۱۴۰,۰۰۰ - ۱۵,۶۰۰,۰۰۰ = \text{جمعیت بیکار}$$

$$\text{درصد } ۳۵ = \frac{۵,۴۶۰,۰۰۰}{۱۵,۶۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰ = \text{نرخ بیکاری}$$

بیکاری دوره‌ای: بیکاری که هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد، در این دوره تولید کاهش می‌یابد و به همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار می‌کنند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. برخی تولیدکنندگان از بازپرداخت وام‌های کلان بانکی و یا از نبود فضای مناسب کسب و کار

گلایه دارند. گاهی برخی از آن‌ها برای راه‌اندازی یک کارگاه تولیدی یا اضافه کردن خط تولید جدید، باید ماه‌ها و حتی

سال‌ها در انتظار مجوزهای دولتی باشند و در پیچ و خم‌های اداری سازمان‌ها و نهادهای معطل بمانند. گاهی

قانون‌گذاری‌های متعدد، متناقض و دائماً در حال تغییر، بر بی‌ثباتی فضای کسب و کار دامن می‌زنند. تصور کنید به عنوان

یک تولیدکننده، سال‌ها برای تولید یک محصول وقت و سرمایه گذاشته‌اید و کارگاهی راه انداخته‌اید، ناگهان قانون

جدیدی ابلاغ می‌شود که تولید محصول موردنظر شما را غیرقانونی اعلام می‌کند یا واردات آن را آزاد می‌سازد. چه

احساسی به شما دست می‌دهد؟

(ب)

پس $\rightarrow ۷۲ = \text{مجموع جمعیت گروه‌های فعال و غیرفعال} = \text{جمعیت افراد ۱۵ سال به بالا}$

میلیون نفر $= ۴۸ = ۱۲۰ - ۷۲ = \text{جمعیت ۱۵ سال به بالا} - \text{جمعیت کل} = \text{جمعیت زیر ۱۵ سال}$

پس $\rightarrow \text{میلیون نفر ۱۸} = \text{جمعیت افراد ۱۵ سال به بالایی که در جستجوی کار نیستند} = \text{جمعیت افراد غیرفعال}$

میلیون نفر $= ۵۴ = ۷۲ - ۱۸ = \text{جمعیت غیرفعال} - \text{جمعیت افراد ۱۵ سال به بالا} = \text{جمعیت فعال}$

(الف)

$\rightarrow ۵۴ = ۵x + x \Rightarrow \text{جمعیت بیکار} + \text{جمعیت شاغل} = \text{جمعیت افراد فعال}$

میلیون نفر (جمعیت بیکار) $= ۹ = \frac{۵۴}{۶} \rightarrow x = \frac{۵۴}{۶}$

$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} = \frac{۹}{۵۴} = \frac{۱}{۶} \approx ۱۶/۵\%$

میلیون نفر $= ۴۵ = ۵ \times ۹ = \text{جمعیت شاغل}$

(پ)

نفر $= ۹۹۰,۰۰۰ = ۱۱\% \times ۹,۰۰۰,۰۰۰ = \text{جمعیت افرادی که موفق به پیدا کردن کار شده‌اند}$
 جمعیت بیکار قبلی

نفر $= ۴۵,۹۹۰,۰۰۰ = ۹۹۰,۰۰۰ + ۴۵,۰۰۰,۰۰۰ = \text{جمعیت شاغل جدید}$

اما این تغییرات تأثیری در جمعیت فعال کشور نمی‌گذارد، زیرا جمعیت فعال از مجموع جمعیت‌های شاغل و بیکار تشکیل شده که کاهش یکی و اضافه شدن همان عدد به گروه دیگر عدد جمعیت فعال را تغییری نمی‌دهد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ۱۴۰

برای محاسبه‌ی تعداد افراد بیکار براساس نرخ بیکاری، ابتدا باید جمعیت فعال محاسبه شود. بنابراین خواهیم داشت:

نفر $= ۱۷,۲۳۸,۰۰۰ = ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ + ۵,۲۳۸,۰۰۰$: کل افراد زیر ۱۵ سال (چه در جستجوی شغل باشند یا نباشند)

نفر $= ۲۳,۰۰۰,۰۰۰ = ۴۰,۲۳۸,۰۰۰ - ۱۷,۲۳۸,۰۰۰$: کل افراد زیر ۱۵ سال - کل جمعیت : کل افراد ۱۵ سال و بالاتر

جمعیت غیرفعال - جمعیت افراد ۱۵ سال و بالاتر = جمعیت فعال

نفر $= ۱۸,۵۰۰,۰۰۰ = ۴,۵۰۰,۰۰۰ - ۲۳,۰۰۰,۰۰۰$: جمعیت فعال

براساس نرخ بیکاری و جمعیت فعال می‌توان تعداد افراد بیکار و سپس شاغل را محاسبه کرد:

نفر $= \frac{۲۲۲,۰۰۰,۰۰۰}{۱۰۰} = \text{جمعیت افراد بیکار} = \frac{\text{تعداد افراد بیکار}}{۱۰۰} \rightarrow \frac{۱۲}{۱۰۰} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}}$: نرخ بیکاری

جمعیت بیکار - جمعیت فعال = جمعیت شاغل

نفر $= ۱۶,۲۸۰,۰۰۰ = ۲,۲۲۰,۰۰۰ - ۱۸,۵۰۰,۰۰۰$: جمعیت شاغل

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. پنج اشتباه رایج در تصمیم‌گیری عبارتند از: اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها - توجه به هزینه‌های هدررفته - بی‌صبری زیاد - اعتماد به نفس بیش از حد یا خود رأی بودن - چسبیدن به وضعیت فعلی - وقتی غذایی را که سفارش داده‌ایم ولی دوست نداریم را به خاطر پولی که داده‌ایم تا آخرش می‌خوریم، یا دوره‌ی آموزشی که ثبت‌نام کرده ایم بی‌کیفیت است ولی به خاطر پول پرداخت شده تا آخر ادامه می‌دهیم، یعنی به هزینه‌های هدررفته توجه کرده‌ایم.

زمانی که یک فرد به‌جای صبر در تحصیل و بهره‌مندی از منابع، سراغ کارهای کم‌ارزش می‌رود. یا برای تأمین هزینه‌های مصرف فعلی (خرید ماشین مدل بالا) زیر بار سنگین انواع بدهی می‌رود. اشاره به بی‌صبری زیاد دارد. - وقتی افراد با چسبیدن به وضعیت فعلی از بررسی گزینه‌های جدید با رویکرد منطقی هزینه - فایده پرهیز می‌کنند. (استفاده از روش‌های سنتی به‌جای روش‌های مدرن) چسبیدن به وضعیت فعلی را نشان می‌دهد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

الف) همه‌ی کسانی که شغلی ندارند، بیکار محسوب نمی‌شوند، در واقع بخشی از آن‌ها را افراد زیر ۱۵ سال و بخشی را نیز افراد غیرفعال تشکیل می‌دهند. اما آن گروه که واقعاً بیکار هستند، در نرخ بیکاری و اشتغال تأثیرگذارند. ب) نظام اقتصادی که در مقابل نظام سرمایه‌داری قرار می‌گیرد، نظام سوسیالیستی است که پیروان این نظام معتقدند که حمایت از اقتصاد بازار آزاد منجر به تسلط سرمایه‌دارها بر اقتصاد و استثمار قشر ضعیف و محروم جامعه می‌شود. پ) با مقایسه سود حاصل از هر فعالیت متوجه می‌شویم که فرد در تولید شیرآلات نسبت به کفپوش مزیت نسبی دارد (از آنجایی که مقایسه مربوط به تولید چند محصول توسط یک نفر است، مفهوم مزیت نسبی عنوان می‌شود). و با انتخاب این محصول برای تولید از سود ۷۵۰ میلیون تومانی تولید کفپوش صرف‌نظر می‌کند. ت) درآمد حاصل از فروش دارایی‌های نظیر مواد معدنی و نفت باید صرف ایجاد سرمایه‌های جدید شود نه تأمین هزینه‌های جاری دولت.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

نفر $۱,۵۰۰,۰۰۰ = ۲,۰۰۰,۰۰۰ - ۵۰۰,۰۰۰ =$ جمعیت فعال کشور A

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰$$

$$\text{نرخ بیکاری کشور A} = \frac{۱۰}{۱۰۰} = \frac{x}{۱,۵۰۰,۰۰۰} \Rightarrow ۱۰۰x = ۱۵,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{نفر} \quad \text{جمعیت بیکار کشور A} = x = \frac{۱۵,۰۰۰,۰۰۰}{۱۰۰} = ۱۵,۰۰۰$$

در نتیجه کشور B باید تعداد افراد شاغلش بیش‌تر از ۱,۳۵۰,۰۰۰ باشد تا نرخ بیکاری‌اش کم‌تر از کشور A شود.

جمعیت در جستجوی کار (جمعیت بیکار) + جمعیت شاغل = جمعیت فعال

$$= ۸,۰۰۰,۰۰۰ + ۳۲,۰۰۰,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰,۰۰۰ \text{ نفر}$$

جمعیت زیر ۱۵ سال - جمعیت کل = جمعیت ۱۵ سال به بالا

$$= ۶۷,۵۰۰,۰۰۰ - ۱۲,۵۰۰,۰۰۰ = ۵۵,۰۰۰,۰۰۰$$

پ) توجه کنید در جدول فقط جمعیت ۱۵ ساله‌ها را داده در حالی که ما جمعیت ۱۵ سال و بالاتر از ۱۵ سال را نیاز داریم تا بتوانیم جمعیت غیرفعال را محاسبه کنیم:

جمعیت فعال - جمعیت ۱۵ سال به بالا = جمعیت غیرفعال

$$= ۵۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۴۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ \text{ نفر}$$

$$\text{الف) } \text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت سال به بالای بیکار}}{\text{جمعیت سال به بالای فعال}} = \frac{۸,۰۰۰,۰۰۰}{۴۰,۰۰۰,۰۰۰} = \frac{۱}{۵} = ۲۰\%$$

ب) زمانی که نیروی کار موجود با نیروی کار مورد نیاز بنگاه‌ها تطابق ندارد، مثلاً دلایلی نظیر تغییر ساختار اقتصادی به علت پیشرفت تکنولوژی، افرادی که کار خود را از دست می‌دهند یا قادر به پیدا کردن شغل نمی‌باشند، درگیر بیکاری ساختاری هستند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در فقر نسبی همیشه تعریف فقر نسبت به وضعیتی که ما در آن هستیم صورت می‌گیرد. پس معیار فقر در نواحی مختلف متفاوت است. توجه به این مفهوم موجب شد، مفهوم جدیدی در اقتصاد ایجاد شود به نام «فقر مطلق».

